



فهرست مطالب

مجموعه کتاب‌های

سیر تا پیاز

آموزش	۷
سؤالات تشریحی	۱۱۱
پاسخنامه سؤالات تشریحی	۱۶۸
سؤالات تستی	۱۸۹
پاسخنامه سؤالات تستی	۲۳۶



آموزش

سیر تا پیاز

۸	ستایش: به نام خداوند جان و خرد
۱۱	فصل اول: زیبایی آفرینش
۲۶	فصل دوم: شکفتن
۴۱	فصل آزاد: ادبیات بومی (۱)
۴۲	فصل سوم: سبک زندگی
۶۳	فصل چهارم: نام‌ها و یادها
۸۱	فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی
۹۷	فصل آزاد: ادبیات بومی (۲)
۹۸	فصل ششم: ادبیات جهان

ستایش



ذکر: یاد	ره: مخفف راه
مَلِک: پادشاه، این جا منظور خداوند است که پادشاه جهان است.	نمایی: نشان دهی (از مصدر نمودن به معنای نشان دادن)
خداوند: خدا، صاحب	خَزَد: عقل، دانش
کزین: مخفف که از این	اندیشه: فکر
برنگذرد: بالاتر نرود	جای: جا
روزی ده: (مخفف روزی دهنده) رازق	رهنمای: (مخفف راه‌نماینده) راهنما، هدایت‌کننده
کیوان: نام دیگر سیارهٔ زُحل	گردان: گردنده، چرخنده
سپهر: آسمان	گردان سپهر: آسمان گردنده
فروزنده: (مخفف افروزنده) روشن‌کننده	ناهید: ستارهٔ زهره [منظور کتاب البته سیارهٔ زهره است].
مهر: خورشید	بیننده: چشم، کسی که می‌بیند. در شعر فردوسی مقصود از «بینندگان»، دو چشم یا چشمان است.
مرنجان: آزارنده	پدو: به او (حرف اضافه + متمم)
اندیشه: فکر	راه نیابد: (فعل مرکب) نرسد
جایگاه: جا، مکان	ستودن: ستایش کردن، وصف کردن
نداند: در این جا یعنی نتواند، نمی‌تواند	میان: کمر
میان بستن: آماده شدن برای کاری	بایدت: تو باید
بایدت بست: تو باید ببندی	برنا: جوان

(سنایی غزنوی)

نروم جز به همان ره که توام راه نمایی

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

نثر روان: ملکا ذکر تو [را] گویم، که تو پاکی و خدایی [و] جز به همان راهی [را] نروم که تو [به] من، راه [را] نمایی.

معنی بیت: خدایا تو را یاد می‌کنم، زیرا فقط تو پاک و خدا هستی و جز به آن راه نمی‌روم (یا: فقط راهی را می‌روم) که تو آن راه را به من نشان بدهی.

مفهوم بیت: ستایش مخصوص خداست و او راهنماست.

که: در مصراع اول حرف ربط است به معنای زیرا

این کلمه‌ها با هم جناس ناقص حرکتی هستند که دانستن آن‌ها خوب است:

مَلِک: فرشته (جمع مکسر: ملائک یا ملائکه)

مَلِک: پادشاه (جمع مکسر: ملوک)

مُلْک: پادشاهی، حکومت (جمع مکسر ندارد.)

مُلْک: دارایی، زمین (جمع مکسر: أملاک)

● «توام» در این بیت با کلمهٔ «توام» اشتباه نشود!

«توام» در این بیت، ترکیب دو ضمیر «تو: ضمیر شخصی جدا» و «م: ضمیر شخصی پیوسته» است.
«توأم» کلمه‌ای عربی به معنی «همراه» و «با هم» است.

قافیه: خدایی، نمایی

واج‌آرایی: «ک»، «ر»

تو پاکی: تو: نهاد - پاک: مسند - «ی»: فعل اسنادی (ربطی)

ملکا: ملک: منادا - «ا»: حرف ندا

توام راه نمایی: تو: نهاد - م: متمم (به من) - راه: مفعول - نمایی: فعل غیر اسنادی

بیت شش جمله است:

نروم جز به همان ره که توام راه نمایی

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

۶

۵

۴

۳

۲

۱

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

به نام خداوند جان و خرد

قالب شعر: مثنوی

نثر روان: به نام خداوند جان و خرد [آغاز می‌کنم] که اندیشه از این برتر برنگذرد.

معنی بیت: به نام خداوندی که صاحب جان و عقل است، شروع می‌کنم که اندیشه بالاتر از این نمی‌تواند برود (توصیفی برتر از این برای خداوند وجود ندارد.)

مفهوم بیت: شروع کارها با نام خدا / ناتوانی عقل انسان از شناخت خداوند

قافیه: خرد، برنگذرد

واج‌آرایی: «د»، «ر»

مراعات نظیر: جان، خرد، اندیشه

خداوند روزی ده رهنمای

خداوند نام و خداوند جای

نثر روان: ارکان جمله، مرتب است.

معنی بیت: خدایی که مالک تمام نام‌ها و جاهاست و روزی دهنده و راهنمای مخلوقات است.

مفهوم بیت: مالک جهان بودن خداوند / روزی دهنده بودن خداوند / هدایت‌کننده بودن خداوند

قافیه: جای، رهنمای

واج‌آرایی: «آ»، «د»

واژه‌آرایی (تکرار): خداوند

فروزنده ماه و ناهید و مهر

خداوند کیوان و گردان سپهر

نثر روان: ارکان جمله، مرتب است.

معنی بیت: خدایی که مالک زحل و آسمان گردنده و روشن‌کننده ماه و زهره و خورشید است.

مفهوم بیت: خداوند مالک و خالق تمام جهان است.

قافیه: سپهر، مهر

مراعات نظیر: کیوان، سپهر، ماه، ناهید، مهر

گردان سپهر: ترکیب وصفی مقلوب است و در اصل بوده «سپهر گردان»

فروزنده: صفت بیانی است از مصدر «افروختن»، ولی در این جا هسته گروه اسمی است و مضاف‌الیه گرفته است.

هر گاه ترکیب «هسته و صفت بیانی» جابه‌جا شوند و بین آن‌ها ساکن شود، به آن «ترکیب وصفی مقلوب» (= ترکیب وصفی جابه‌جاشده) می‌گویند. مانند: مرد نیک ← نیک‌مرد / سپهر گردان ← گردان سپهر / زن پیر ← پیرزن

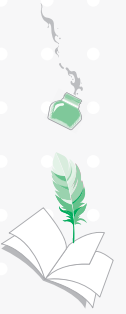
نیینی، مرنجان دو بیننده را

به بینندگان، آفریننده را

نثر روان: به بینندگان، آفریننده را نیینی، دو بیننده را مرنجان.

معنی بیت: با چشم‌ها خدا را نمی‌بینی، پس چشم‌هایت را آزارنده.

مفهوم بیت: خدا را نمی‌توان دید / خدا ماده و جسم نیست.



به: با

● اگر آخر کلمه‌ای «ه (ب)» باشد، هنگامی که با «ان» جمع بسته شود، «ه» تبدیل به «گ» می‌شود. مانند: بیننده+ ان ← بینندگان / راننده+ ان ← رانندگان

ردیف: را

● **قافیه:** آفریننده، بیننده **واج آرایه:** «ن» **واژه آرایه (تکرار):** بیننده
 بیت دو جمله و در هر دو، «تو»، نهاد است. در جمله دوم، «دو بیننده» گروه مفعولی است که در آن «دو: صفت شمارشی، عدد اصلی و «بیننده: هسته» است.

نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه

نثر روان: اندیشه نیز به او راه نیابد که او از نام و از جایگاه برتر است.

معنی بیت: (نه تنها خدا را با چشم نمی‌توان دید، بلکه) فکر انسان نیز به خداوند نمی‌رسد، زیرا خداوند از نام و مکان برتر است.

مفهوم بیت: ناتوانی انسان در شناخت خدا

قافیه: راه، جایگاه **کنایه:** راه نیابد: نرسد

مصراع دوم یک جمله است؛ **او:** نهاد - **برتر:** مسند - **است:** فعل اسنادی که حذف شده است.

ستودن نداند کس او را چو هست میان، بندگی را ببايدت بست

نثر روان: کس، او را چو هست، ستودن نداند، تو میان [را] برای بندگی باید ببندی.

معنی بیت: کسی او را آن‌گونه که هست نمی‌تواند ستایش کند، پس تو برای بندگی او باید آماده شوی.

مفهوم بیت: کسی نمی‌تواند خدا را واقعاً ستایش کند / باید برای خدا بندگی کرد.

چو: آن‌گونه **را (مصراع اول):** حرف نشانه مفعول **را (مصراع دوم):** برای (حرف اضافه)

قافیه: هست، بست **واج آرایه:** «س»، «آ» **کنایه:** کمر بستن: آماده شدن

● در شاهنامه، «میان» به معنی «کمر»: «بخشی از بدن» و «کمر» به معنی «کمر بند» به کار می‌رود.

● در گذشته فعل «باید» با «بن ماضی» ترکیب می‌شد و فعل می‌ساخت، ولی ما فعل «باید» را با «مضارع التزامی» ترکیب می‌کنیم. مثال: باید بست: باید ببندی.

توانا بود هر که دانا بود ز دانش، دل پیر بُرنا بود

(شاهنامه، فردوسی)

نثر روان: هر که دانا بود، توانا بود، دل پیر ز دانش، برنا بود.

معنی بیت: هر کس دانا باشد، تواناست و دل انسان پیر، با دانش، جوان است.

مفهوم بیت: اهمیت دانش

ردیف: بُود **قافیه:** دانا و برنا **واج آرایه:** «آ»، «د»

واژه آرایه (تکرار): بود **تضاد:** برنا، پیر **مراعات نظیر:** دانش، دانا

● ردیف، آرایه تکرار نیست؛ در این بیت چون علاوه بر ردیف، یک بار دیگر هم، «بود» تکرار شده است، آرایه تکرار شمرده می‌شود.

● این شعر یک «تحمیدیه» است.

● تحمیدیه به شعر یا نثری می‌گویند که در ستایش خداوند باشد.

اعلام



ابوالقاسم فردوسی: فردوسی در روستای باژ، واقع در منطقه توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه مذهب بود و دلبستگی اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) نشد. فردوسی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت، به سال ۴۱۱ ه.ق. درگذشت و در توس به خاک سپرده شد. فردوسی در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته‌ای دارد.



سوالات تشریحی

سیر تا پیاز

۱۱۲	ستایش
۱۱۴	درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
۱۱۶	درس دوم: عجایب صنع حق تعالی
۱۲۰	درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی
۱۲۲	درس چهارم: هم نشین
۱۲۶	درس ششم: آداب زندگانی
۱۲۸	درس هفتم: پرتو امید
۱۳۱	درس هشتم: همزیستی با مام میهن
۱۳۶	درس نهم: راز موفقیت
۱۳۸	آزمون نوبت اول (۱)
۱۴۰	آزمون نوبت اول (۲)
۱۴۲	درس دهم: آرشی دیگر
۱۴۴	درس یازدهم: زن پارسا
۱۴۹	درس دوازدهم: پیام آور رحمت
۱۵۱	درس سیزدهم: آشنای غریبان
۱۵۳	درس چهاردهم: پیدای پنهان
۱۵۶	درس شانزدهم: آرزو
۱۵۸	درس هفدهم: شازده کوچولو
۱۶۲	آزمون نوبت دوم (۱)
۱۶۵	آزمون نوبت دوم (۲)
۱۶۸	پاسخنامه تشریحی



ستایش

(پاسخ‌های تشریحی را در صفحه ۱۶۸ مطالعه کنید.)

معنی و مفهوم

۱ معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

- | | |
|-------------|-------------|
| الف) مَلْک: | ب) مَلِک: |
| پ) مُلْک: | ت) مِلْک: |
| ث) کیوان: | ج) فروزنده: |
| چ) ستودن: | ح) بُرنا: |

۲ مترادف واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

- | | |
|------------|----------|
| الف) یاد: | ب) کمر: |
| پ) رزّاق: | ت) فکر: |
| ث) عقل: | ج) چشم: |
| چ) خورشید: | ح) صاحب: |

۳ در مصراع «ستودن نداند کس او را چو هست»، «نداند» به چه معنی به‌کار رفته است؟

۴ معنی شعرهای زیر را بنویسید.

- الف) به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد
ب) فروزنده ماه و ناهید و مهر
پ) به بینندگان آفریننده را / نبینی، مرنجان دو بیننده را
ت) نیابد بدو نیز اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه

نکات زبانی و ادبی

۵ قالب شعری شاهنامه فردوسی چیست؟ علت نامگذاری آن را بنویسید.

۶ قافیه و ردیف‌های بیت‌های ۲، ۴ و ۶ شعر فردوسی را بنویسید.

۷ عبارتهای زیر را با کلمات مناسب کامل کنید.

- الف) ابوالمجد محدود بن آدم، معروف به شاعر و عارف قرن هجری است. در آغاز شاعری بود، ولی تغییر حال داد و به روی آورد. از آثار او می‌توان به ، و اشاره کرد.
- ب) ابوالقاسم فردوسی در روستای ، در منطقه خراسان به دنیا آمد. او یا سال برای سرودن رنج کشید.

آرایه‌های ادبی

۸ در بیت‌های زیر آرایه‌های خواسته شده را مشخص کنید.

الف) «به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد»

● واج‌آرایی:

● مراعات نظیر:

ب) «ستودن نداند کس او را چو هست / میان بندگی را بیایدت بست»

● واج‌آرایی:

● کنایه:

۹ بیت زیر چند جمله است؟

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه نمایی»

۱۰ یک ترکیب وصفی مقلوب در شعر «به نام خداوند جان و خرد» بیابید.

۱۱ در گروه‌های اسمی زیر که از متن درس انتخاب شده‌اند، هسته و نوع وابسته‌ها را مشخص کنید.

الف) ذکر تو:

ب) سنایی غزنوی:

پ) خداوند روزی ده رهنمای:

ت) گردان سپهر:

ث) فروزنده ماه:

ج) دو بیننده:

۱۲ جدول زیر را کامل کنید.

واژه	بن ماضی	بن مضارع
فروزنده		
اندیشه		
نمودار		
گردان		

۱۳ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه نمایی»

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

«توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود»

۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴

۱۴ در ابیات زیر کدام نقش دستوری نادرست است؟

الف) «به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد»

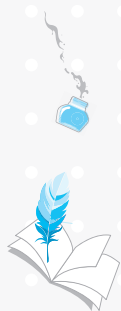
۱) خداوند: نهاد (۲) جان: مضاف الیه

۳) این: متمم (۴) اندیشه: نهاد

ب) «به بینندگان، آفریننده را / نبینی، مرنجان دو بیننده را»

۱) تو: نهاد (۲) بینندگان: متمم

۳) آفریننده: مفعول (۴) دو بیننده: نهاد




درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / حکایت: «سفر»

(پاسخ‌های تشریحی را در صفحه ۱۶۸ مطالعه کنید.)

معنی و مفهوم
۱ معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

الف) دیده:	ب) آوا:	پ) تنبیه:	ت) اقرار:
ث) تسبیح:	ج) جهالت:	چ) الوان:	ح) مرغ سحر:
خ) حیران:	د) عیب:	ذ) حقه:	ر) تقدیر:
ز) عزیز:	ژ) مسخر:	س) بار خدا:	ش) انعام:
ص) انعام:	ض) راست‌رو:	ط) مرشد:	ظ) افسار:

۲ برای هر یک از واژه‌های زیر دو هم خانواده بنویسید.

الف) دیده:	ب) عجب:	پ) جهالت:	ت) فهم:
ث) کرم:	ج) گفته:	چ) سعادت:	ح) منزل:
خ) مرشد:	د) معرفت:		

۳ هم خانواده واژه‌های زیر را از متن درس بیابید.

الف) منتبه:	ب) سفیر:	پ) نعمت:	ت) سمعانی:
ث) تسخیر:	ج) معجزه:	چ) تغافل:	ح) سبحان:

۴ مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید.

- الف) سراز خواب برداشتن:
 ب) سر غفلت در پیش داشتن:
 پ) راست‌رو:
 ت) گوی سعادت بردن:

۵ معنی شعر و نثرهای زیر را بنویسید.

- الف) دیده‌ای نیست نیند رخ زیبای تو را
 ب) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
 پ) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 ت) فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار

ث) پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز / ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

ج) سعدیا راست‌روان گوی سعادت بردند

چ) معرفت این است که من در آنم. گرد خویش می‌گردم و بی‌بسته در خود سفر می‌کنم، تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!

۶ هر یک از گزینه‌های زیر با کدام بیت شعری سعدی ارتباط معنایی دارد؟

الف) «آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر که در آن‌هاست او را تسبیح می‌گویند و هیچ موجودی نیست مگر این‌که او را تسبیح می‌گوید، ولی شما

تسبیحشان را نمی‌فهمید. همانا او بردبار و آمرزنده است.» (سوره‌ی اسراء، آیه ۴۴)

ب) «و خورشید به سوی قرارگاه خود روان است. این تقدیر آن مقتدر داناست.» (سوره‌ی یس، آیه ۳۸)

پ) «عقل‌ها حیران شود کز خاک تاریک نژند / چون برآید این همه گل‌های نغز کامکار»

۷ بیت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

- الف) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار / خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
 ب) که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ / یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟
 پ) تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار



ستایش

- ۱ الف) فرشته؛ ب) پادشاه؛ پ) پادشاهی، حکومت، فرمانروایی؛ ت) دارایی، زمین؛ ث) زحل؛ ج) (مخفف افروزنده) روشن‌کننده؛ چ) ستایش کردن، وصف کردن؛ ح) جوان
- ۲ الف) ذکر؛ ب) میان؛ پ) روزی ده؛ ت) اندیشه؛ ث) خرد؛ ج) بیننده؛ چ) مهر؛ ح) خداوند
- ۳ نتواند
- ۴ الف) به نام خداوندی که صاحب جان و عقل است، شروع می‌کنم که اندیشه بالاتر از این نمی‌تواند برود (توصیفی برتر از این برای خداوند وجود ندارد). ب) روشن‌کننده ماه و زهره و خورشید است. پ) با چشم‌ها خدا را نمی‌بینی، پس چشم‌هایت را آزار نده. ت) فکر انسان نیز به خداوند نمی‌رسد، زیرا خداوند از نام و مکان برتر است.
- ۵ مثنوی - واژه مثنوی از ریشه «مثنی» به معنای «دوتایی» گرفته شده است، زیرا هر دو مصراع آن (هر بیت) قافیه‌ای جداگانه دارد.

۶ بیت ۲: ردیف: - / قافیه: جای، رهنمای

بیت ۴: ردیف: را / قافیه: آفریننده، بیننده

بیت ۶: ردیف: - / قافیه: هست، بست

۷ الف) سنایی غزنوی / ششم / مداح / عرفان / حدیقه الحقیقه / سیرالعباد الی المعاد / کارنامه بلخ
ب) باز / توس / ۲۵ / ۳۰ / شاهنامه

۸ الف) واج‌آرایی: «د»، «ر» / مراعات نظیر: جان، خرد، اندیشه

ب) واج‌آرایی: «س»، «آ» / کنایه: «میان بستن» کنایه از آماده شدن

۹ شش جمله است: ملکا / ذکر تو گویم / که تو پاکی / و خدایی / نرم جز به همان ره / که توام راه نمایی

۱۰ «گردان سپهر» که در اصل «سپهرگردان» بوده است.

۱۱ الف) ذکر: هسته / تو: مضاف الیه

ب) سنایی: هسته / غزنوی: صفت بیانی

«غزنوی» یک صفت بیانی است که نشان‌دهنده این است که سنایی، اهل کدام شهر است. نام خانوادگی‌های ما در اصل نشان‌دهنده شغل و یا محل زندگی ما و... بوده است، ولی اکنون این گونه نیست، بلکه یک «نام» است که نشان‌دهنده وابستگی ما به یک خانواده است، پس مضاف‌الیه محسوب می‌شود.

نام: هسته / نام خانوادگی: مضاف الیه

پ) خداوند: هسته / روزی ده: صفت بیانی / رهنمای: صفت بیانی

ت) گردان: صفت بیانی / سپهر: هسته (گردان سپهر ترکیب وصفی مقلوب و در اصل، سپهرگردان بوده است).

ث) افروزنده: هسته / ماه: مضاف الیه

افروزنده هر چند یک صفت بیانی است، اما این‌جا هسته است، زیرا گاهی صفت‌ها به جای موصوف به‌کار می‌روند. یعنی به جای «خداوند افروزنده» که موصوف و صفت است، فقط صفت «افروزنده» را ذکر کرده است. مثل این‌که به جای «مرد معلم» فقط بگوییم «معلم»؛ یعنی معلم صفت جانشین

موصوف است و می‌تواند مانند اسم، هسته گروه اسمی شود و نیز تمام نقش‌های اسم (مانند نهاد، مفعول، مضاف الیه و...) را بپذیرد.

مثال: مرد معلم آمد. (مرد: هسته و نهاد / معلم: صفت بیانی)

معلم آمد. (معلم: هسته و نهاد)

معلم را دیدم. (معلم: مفعول) / به معلم گفتم. (معلم: متمم) / دفتر معلم را برایش آوردم. (معلم: مضاف الیه)

ج) دو: صفت شمارشی، عدد اصلی / بیننده: هسته

۱۲

واژه	بن ماضی	بن مضارع
افروزنده	افروخت	افروز
اندیشه	اندیشید	اندیش
نمودار	نمود	نما
گردان	گردید	گرد

۱۳ (۱) منادا؛ (۲) مضاف الیه؛ (۳) نهاد؛ (۴) مسند (پاکی = پاک هستی)؛ (۵) فعل

ربطی (هستی / ای)؛ (۶) صفت اشاره؛ (۷) متمم

یک گروه کلمه، در جمله یک نقش می‌پذیرد و در آن گروه کلمه، هسته، نقش اصلی را دارد و بقیه کلمه‌ها، وابسته هستند.

(۸) متمم (به من)؛ «م» چون پس از «تو» آمده، «ام» نوشته شده است.

این جمله در اصل بوده: «تو به من راه را نمایی»، پس من (م) متمم است، ولی حرف اضافه قبل از آن حذف شده است.

(۹) مفعول؛ (۱۰) نهاد؛ (۱۱) مسند؛ (۱۲) متمم؛ (۱۳) نهاد؛ (۱۴) مسند

۱۴ الف) گزینه ۱؛ زیرا «نام خداوند جان و خرد» یک گروه کلمه است که در آن نام، هسته و خداوند، مضاف الیه است. ب) گزینه ۴؛ «دو بیننده» مفعول است.

درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / حکایت: «سفری»

۱ الف) چشم؛ ب) صدا، آواز؛ پ) هوشیار کردن، آگاه ساختن کسی بر کاری؛ ت) اعتراف؛ ث) خدا را به پاکی یاد کردن، نیایش کردن؛ ج) نادانی؛ چ) (جمع لون) رنگ‌ها؛ ح) پرنده‌ای که هنگام سحر آواز می‌خواند. مانند: بلبل، خروس، قُمری؛ خ) حیرت‌زده، سرگشته، متعجب؛ د) انگور؛ ذ) جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر نگهداری می‌شود. ر) خواست خدا، سرنوشت؛ ز) ارجمند؛ ژ) رام، مطیع؛ س) خدای بزرگ؛ ش) بخشش، نعمت دادن؛ ص) چارپایان؛ ض) درستکار، کسی که از راه راست خارج نمی‌شود. ط) راهنما؛ ظ) دهنه، لگام

۲ الف) دیدن، دیدار، بینا، بیننده؛ ب) عجیب، تعجب، متعجب؛ پ) جهل، جاهل، مجهول؛ ت) فهمیم، فهمیده، مفهوم؛ ث) کریم، اکرم، تکریم، اِکرام؛ ج) گفتن، گفتار، گویا، گوینده؛ چ) سعید، مسعود، مساعد؛ ح) نزول، تنزیل، منازل؛ خ) رشد، رشید، رشادت؛ د) معارف، عرفان، معروف، تعارف

۱۵ الف) رخ: هسته / زیبا: صفت بیانی / تو: مضاف الیه؛ ب) تنبیه: هسته / خداوند: مضاف الیه / دل: مضاف الیه؛ پ) خوشه: هسته / زرتین: صفت بیانی / عنب: مضاف الیه؛ ت) نعمت: هسته / ت: مضاف الیه

۱۶

واژه	بن ماضی	بن مضارع
شنوا	شنید	شنو
آفرینش	آفرید	آفرین
گفته	گفت	گو (ی)
گزارش	گزارد	گزار

۱۷ (۱) نهاد؛ (۲) فعل غیرربطی (نیست در این جا به معنی «وجود ندارد» است)؛ (۳) مفعول؛ (۴) مفعول؛ (۵) مفعول (چه چیز را مسخر کند؟ ← ماه و خورشید و لیل و نهار را) (۶) نهاد؛ (۷) منادا؛ (۸) متمم (از حرف اضافه است)؛ (۹) مسند؛ (۱۰) مفعول؛ (۱۱) قید

درس دوم: عجایب صنع حق تعالی

۱ الف) شایسته؛ ب) آفرینش، احسان، ساختن و نیکویی کردن؛ پ) بلندپایه، بلندمرتبه؛ ت) خشکی، بیابان؛ ث) ابر، سحاب؛ ج) رنگین کمان؛ چ) جمع آیه) نشانه‌ها، علامت‌ها؛ ح) فرش، گستردنی، هر چیز گستردنی، مانند فرش و سفره؛ خ) جمع جانب) کناره‌ها، اطراف؛ د) پهن، گسترده؛ ذ) نیکو، پاکیزه؛ ر) پارچه ابریشمی رنگین؛ ز) مشعلی که از سقف آویزان کنند، چراغ آویز، چراغ‌دان؛ ژ) بی‌خبر، ناآگاه؛ س) داستان؛ ش) زیبایی؛ ص) تخت، اورنگ؛ ض) پادشاهی، مملکت، فرمانروایی، سرزمین؛ ط) خرسند بودن به مقدار کم، خشنود بودن از آن چه که روزی انسان است. ظ) شناخت، علم؛ ع) سرگشته، سرگردان؛ غ) متعجب، سرگشته، سرگردان، حیرت‌زده

۲ الف) جوهر؛ ب) معدن؛ پ) نبات؛ ت) علامت

یادمان هست که اگر حرف آخر کلمه‌ای عربی «ة / ة» بود، هنگام جمع بستن با «ات»، «ة / ة» حذف می‌شود.

ث) عجیب؛ ج) جانب؛ چ) عالم؛ ح) عالم؛ خ) علم؛ د) علم؛ ذ) عنصر؛ ر) فکر
۳ الف) صنع؛ ب) تدریج؛ پ) جوانب؛ ت) معرفت؛ ث) وصف، توصیف؛ ج) متحیر؛ چ) مختصر؛ ح) مدهوش

۴ الف) بدان که هر چیزی که در جهان هست، همه آفرینش خدای بلندمرتبه است. ب) به زمین نگاه کن که چگونه خداوند آن را مانند فرشی برای تو درست کرده و اطراف آن را پهن گسترده است. پ) اگر به خانه‌ای بروی که با نقاشی و گچ، کنده‌کاری کرده باشند (نقاشی و گچ‌کاری کرده باشند). ت) و تو از شگفتی‌های این خانه، بی‌خبری، زیرا خانه دنیا بسیار بزرگ و چشم تو بسیار کوچک است و آن را درک نمی‌کنی.

۳ الف) تنبیه؛ ب) سفر؛ پ) انعام؛ ت) مستمع؛ ث) مسخر؛ ج) عاجز؛ چ) غفلت؛ ح) تسبیح

۴ الف) بیدار شدن؛ ب) غافل بودن؛ پ) درست‌کار؛ ت) سعادتمند شدن
۵ الف) چشمی نیست که روی زیبایی تو را نبیند. ب) صبح روز اول فروردین (اول بهار) که طول روز و شب برابر است. پ) همه آفرینش برای آگاه کردن انسان صاحب‌دل و فهمیده است. ت) فهم از درک چگونگی آفرینش انار که مانند ظرفی پر از یاقوت است، ناتوان می‌شود. ث) پاک و بی‌عیب است آن خدایی که با خواست ارجمند خود، ماه و خورشید و شب و روز را مطیع خود کرده است. ج) ای سعدی، انسان‌های درستکار به خوشبختی می‌رسند. چ) شناخت واقعی همین است که من در حال پرداختن به آن هستم. دور خودم می‌چرخم و همیشه در خود سفر می‌کنم (اندیشه می‌کنم) تا هر چیزی را که ناشایست است، از خود دور گردانم!

۶ الف) بیت ۴: کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند / نه همه مستعی، فهم کند این اسرار؛ ب) بیت ۹: پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز / ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار؛ پ) بیت ۸: عقل، حیران شود از خوشه زرتین عنب / فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

۷ الف) بامدادی که لیل و نهار تفاوت نکند / دامن صحرا و تماشای بهار، خوش بود. ب) که تواند که از چوب، میوه الوان دهد؟ یا که داند که از خار، گل صدف برآرد؟ پ) همه اندر کرم و رحمت او تا قیامت سخن گویند و از هزار یکی گفته نیاید.

۸ اقرار - جهالت - حیران - قانون‌گذار - قاصد - محمد بن منور

۹ گزینه ۳ (خار: تیغ / خوار: پست، ذلیل)

۱۰ الف) ردیف: تو را / قافیه: زیبا، آوا؛ ب) ردیف: - / قافیه: نهار، بهار، اقرار؛ این دو بیت از قصیده سعدی انتخاب شده است که قافیه در مصراع اول و مصراع‌های زوج می‌آید.

۱۱ الف) مشرف‌الدین / هفتم / بوستان / ۶۵۵ / گلستان / ۶۵۶ / کلیات سعدی؛ ب) اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید / ابوسعید ابی‌الخیر / محمد بن منور

۱۲ الف) گزینه «۴»؛ ب) گزینه «۲»

۱۳ الف) واج‌آرایی: «خ»، «ر»

تشبیه: مشبه: جهالت / مشبه به: خواب

تشخیص: مرغان سحر می‌گویند

جناس: سر، سحر

ب) تشخیص: غافل بودن بنفشه / بیداری نرگس

مراعات نظیر: بنفشه، نرگس / خواب، بیدار

تضاد: خواب، بیدار

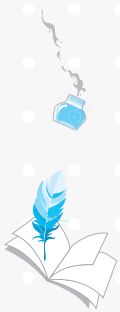
پ) تشخیص: حیران شدن عقل / عاجز شدن فهم

مراعات نظیر: عنب، انار / عقل، فهم

واژه‌آرایی (تکرار): شود

۱۴ چهار جمله: سعدیا / راست‌روان گوی سعادتمند / راستی کن / که به

منزل نرسد کج رفتار





۵ (الف بسزا؛ ب ستارگان؛ پ بحر؛ ت قنديل

۶ زیرا شغل پدرش بافندگی بود (غزال؛ یعنی بافنده)

۷ طابران توس

۸ کیمیای سعادت، نصیحة الملوك، احیاء علوم الدین

۹ کیمیای سعادت، احیاء علوم الدین

۱۰ (الف) مراعات نظیر: آسمان، آفتاب، ماه، ستارگان / زمین، کوه، بیابان، نهر

تضاد: آسمان و زمین / آفتاب و ماه

ب) تشبیه: مشبه: این عالم، مشبه به: خانه خدا / مراعات نظیر: خانه، فرش، ستون، سقف

پ) تشبیه: مشبه: مثل تو، مشبه به: مورچه / واج آرای: «س»، «ر»

ت) تشبیه: مشبه: معرفت، مشبه به: بستان (اضافه تشبیهی است).

۱۱ (الف) توصیف: هسته / زیبایی: مضاف الیه / ها: نشانه جمع / طبیعت:

مضاف الیه ؛ ب) لحن: هسته / توصیفی: صفت بیانی؛ پ) انواع: هسته / نبات:

مضاف الیه / ات: نشانه جمع؛ ت) سنگ: هسته / ها: نشانه جمع / سخت:

صفت بیانی؛ ث) سقف: هسته / ی: نشانه نکره / بی ستون: صفت بیانی؛

ج) بستان: هسته / معرفت: مضاف الیه / حق: مضاف الیه / تعالی: صفت بیانی

۱۲

واژه	بن ماضی	بن مضارع
گنجایش	گنجید	گنج
فرموده	فرمود	فرما
ساخته	ساخت	ساز
دارایی	داشت	دار
کنده	کند	کن

۱۳ (الف) چون: حرف اضافه است، به معنی مثل، مانند ؛ ب) چون: قید

پرسش است، به معنی چگونه

۱۴ (۱) نهاد؛ (۲) متمم؛ (۳) فعل غیرربطی (به معنی وجود دارد)؛ (۴) نهاد؛

(۵) مسند؛ (۶) فعل اسنادی؛ (۷) نهاد؛ (۸) فعل غیرربطی (به معنی وجود دارد،

قرار دارد)؛ (۹) صفت اشاره؛ (۱۰) نهاد؛ (۱۱) مسند؛ (۱۲) متمم (زیرا این جا «را» به

معنی «به» و حرف اضافه است.)؛ (۱۳) فعل غیر اسنادی؛ (۱۴) مفعول؛ (۱۵) قید؛

(۱۶) فعل غیر اسنادی؛ (۱۷) متمم؛ (۱۸) فعل غیر ربطی (به معنی بروی، داخل

شوی)؛ (۱۹) قید؛ (۲۰) مضاف الیه؛ (۲۱) فعل غیر اسنادی (به معنی هستی، قرار

دار)؛ (۲۲) نهاد؛ (۲۳) مسند؛ (۲۴) نهاد؛ (۲۵) مسند؛ (۲۶) نهاد؛ (۲۷) حرف

اضافه؛ (۲۸) متمم؛ (۲۹) حرف ربط؛ (۳۰) متمم؛ (۳۱) مضاف الیه؛ (۳۲) مفعول

شعر خوانی: پرواز

۱۵ (الف) تار بافتن کرم ابریشم یا عنکبوت، تابیدن، بافتن؛ ب) افتاده،

متواضع؛ پ) گوشه نشین، آن که از مردم کناره می گیرد. ت) زندان؛ ث) (ت

نجات یافتن، رها شدن؛ ج) رها شدن؛ چ) برای

۱۶ (الف) انزوا؛ زاویه؛ ب) حبس، محبوس (زندانی)؛ پ) رسته، رستگار، رها؛

ت) رُستنی (گیاه)، رویش، روینده؛ ث) پریده، پر، پرنده؛ ج) کوشیدن، کوشا

۱۷ (الف) تا چه زمانی در پیله دور خودت تار می بافی؟ ب) به همین دلیل

خمیده و تنها نشسته ام (به همین دلیل خمیده و منزوی ام). پ) در زندان

پیله و تنهایی هستم تا با مرگ رها شوم. ت) ای مرغ خانگی، اکنون برای تو

چه پیش آمده که تلاش و پرواز نمی کنی؟

۱۸ (الف) مرغ از فروتنی از کرم پرسید. ب) کرم پاسخ داد: در فکر رستم و زین

روی، منحنی و خلوت نشسته ام. پ) در حبس و خلوتم تا به مرگ وارهم یا

بهر پریدنی، بر برآورم.

۱۹ کرم نماد انسانی متفکر و تلاشگر است که تلاش می کند از وضع کنونی

خود بالاتر برود و پیشرفت کند.

مرغ خانگی، نماد انسانی است که استعداد و امکانات دارد، ولی از آن ها بهره نمی برد.

۲۰ بیت ۴: دیدنی / بیت ۵: پریدنی / بیت ۶: نمی زنی

۲۱ نیما یوشیج - پدر شعر نو فارسی - نظام وفا

۲۲ گزینه ۲

۲۳ (الف) تشخیص: فروتنی مرغ

مراعات نظیر: پیله، تنیدن، کرم

ب) واج آرایی: «ن»، «ـ»

۲۴ چهار جمله: اینک تو را چه شد / کای مرغ خانگی / کوشش نمی کنی /

پژوی نمی زنی

۲۵ (الف) کنج: هسته / خلوت: مضاف الیه؛ ب) محبس: هسته / تن: مضاف الیه؛

پ) همسال: هسته / ها: نشانه جمع / من: مضاف الیه؛ ت) مرغ: هسته / خانگی:

صفت بیانی

۲۶

واژه	بن ماضی	بن مضارع
می تنی	تنید	تن
رستن	رست	ره
رُستن	رُست	رو (ی)
نشسته	نشست	نشین
وارهم	وارهید	واره
پریدن	پرید	پر

۲۷ (۱) متمم «را» به معنی «از» و حرف اضافه است؛ (۲) نهاد؛ (۳) متمم؛

(۴) قید؛ (۵) متمم؛ (۶) فعل غیر اسنادی (هستی، قرار دادی)؛ (۷) نهاد؛

(۸) مسند؛ (۹) فعل غیر ربطی؛ (۱۰) متمم؛ (۱۱) فعل اسنادی (شدند)؛

(۱۲) مسند؛ (۱۳) متمم؛ (۱۴) واو عطف؛ (۱۵) معطوف به متمم؛ (۱۶) حرف ربط



سوالات تستی

سیر تا پیاز

۱۹۰	ستایش
۱۹۲	درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
۱۹۴	درس دوم: عجایب صنع حق تعالی
۱۹۷	درس سوم: مثل آینه، کار و شایستگی
۱۹۹	درس چهارم: هم نشین
۲۰۳	درس ششم: آداب زندگانی
۲۰۶	درس هفتم: پرتو امید
۲۰۹	درس هشتم: همزیستی با امام میهن
۲۱۲	درس نهم: راز موفقیت
۲۱۳	درس دهم: آرشی دیگر
۲۱۶	درس یازدهم: زن پارسا
۲۱۹	درس دوازدهم: پیام آور رحمت
۲۲۱	درس سیزدهم: آشنای غریبان
۲۲۳	درس چهاردهم: پیدای پنهان
۲۲۵	درس شانزدهم: آرزو
۲۲۷	درس هفدهم: شازده کوچولو
۲۳۰	آزمون ورودی مدارس نمونه دولتی
۲۳۲	آزمون جامع تستی (۱)
۲۳۴	آزمون جامع تستی (۲)
۲۳۶	پاسخنامه تشریحی



ستایش

(پاسخ‌های تشریحی را در صفحه ۲۳۶ مطالعه کنید.)

 ۱ معنی واژه مشخص شده در کدام گزینه، **نادرست** نوشته شده است؟

- (۱) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی: پادشاه
 (۲) خداوند کیوان و گردان سپهر: سیاره زهره
 (۳) فروزنده ماه و ناهید و مهر: خورشید
 (۴) زدانش دل پیر برنا بود: جوان

۲ واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب به چه معنی به کار رفته‌اند؟

«ستودن نداند کس او را چو هست میان، بندگی را بیایدت بست»

- (۱) نمی‌شناسد - کمر (۲) نمی‌شناسد - وسط (۳) نمی‌تواند - کمر (۴) نمی‌تواند - وسط

 ۳ در کدام گزینه واژه جمع، **نادرست** نوشته شده است؟

- (۱) مَلک: ملایک (۲) مَلِک: ملوک (۳) مُلک: املاک (۴) مملکت: ممالک

۴ واژه‌های کدام گزینه هم خانواده نیستند؟

- (۱) ذکر - ذاکر - مذکور (۲) فروزنده - فروزان - افروخته (۳) بیننده - بینا - دیدار (۴) ستوده - ستاده - ستایش

 ۵ معنی کدام مصراع **نادرست** نوشته شده است؟

- (۱) به نام خداوند جان و خرد: به نام خداوندی که صاحب جان و عقل است، شروع می‌کنم.
 (۲) خداوند روزی ده رهنمای: خدایی که روزها را آفرید و ما را راهنمایی می‌کند.
 (۳) فروزنده ماه و ناهید و مهر: روشن‌کننده ماه و زهره و خورشید است.
 (۴) ستودن نداند کس او را چو هست: کسی او را آن‌گونه که هست، نمی‌تواند ستایش کند.

 ۶ کدام گزینه درباره فردوسی **نادرست** است؟

- (۱) در روستای باژ در منطقه توس به دنیا آمد.
 (۲) فردی شیعه مذهب بود.
 (۳) ۳۰ تا ۳۵ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید.
 (۴) مقبره وی در شهر توس است.

۷ کدام یک جزو آثار سنایی غزنوی نیست؟

- (۱) حدیقة الحقیقه (۲) سیر العباد الی المعاد (۳) کارنامه بلخ (۴) نصیحة الملوک

۸ کدام آرایه‌ها در بیت زیر هست؟

«خداوند کیوان و گردان سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر»

- (۱) واج‌آرایی - جناس (۲) تشبیه - تکرار (۳) مراعات نظیر - واج‌آرایی (۴) مراعات نظیر - جناس

۹ کدام گزینه آرایه تضاد دارد؟

- (۱) به نام خداوند جان و خرد (۲) خداوند کیوان و گردان سپهر
 (۳) توانا بود هر که دانا بود (۴) زدانش دل پیر، برنا بود

۱۰ بیت زیر چند جمله است؟

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه نمایی»

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) شش

۱۱ ضمیر شخصی «تو» در بیت زیر به ترتیب چه نقشی دارد؟

«ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه نمایی»

- (۱) نهاد - نهاد - نهاد (۲) نهاد - مسند - مفعول (۳) مضاف الیه - مسند - نهاد (۴) مضاف الیه - نهاد - نهاد

نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در هر بیت به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟ (پرسش‌های ۱۲ تا ۱۴)

۱۲ «به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد»

- (۱) صفت اشاره - مسند - نهاد (۲) متمم - قید - نهاد
 (۳) صفت اشاره - قید - متمم (۴) متمم - صفت تفضیلی - هسته

۱۳ «نیابد بدو نیز اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه»

- (۱) متمم - مفعول - نهاد
(۲) قید - نهاد - مسند
(۳) متمم - نهاد - صفت تفضیلی
(۴) قید - مفعول - مسند

۱۴ «توانا بود، هر که دانا بود / ز دانش، دل پیر، برنا بود»

- (۱) نهاد - نهاد - مسند
(۲) مسند - مسند - نهاد
(۳) نهاد - مسند - نهاد
(۴) مسند - نهاد - مسند

۱۵ در کدام گزینه هسته گروه اسمی درست مشخص نشده است؟

- (۱) خداوند جان و خرد
(۲) فرزند ماه و ناهید و مهر
(۳) دو بیننده
(۴) دل پیر

۱۶ در بیت زیر چند صفت بیانی وجود دارد؟

- «توانا بود، هر که دانا بود»
(۱) یک
(۲) دو
(۳) سه
(۴) چهار

۱۷ در ترکیب‌های زیر، چند ترکیب وصفی وجود دارد؟

- «ذکرتو، همان ره، خداوند جان، خداوند روزی ده، فرزند ماه، دو بیننده، گردان سپهر، دل پیر»
(۱) دو
(۲) سه
(۳) چهار
(۴) پنج

۱۸ معنی درست بیت زیر در کدام گزینه ذکر شده است؟

- «نیابد بدو نیز اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه»

- (۱) فکر انسان نمی‌تواند به او مقام و موقعیت دهد.
(۲) فکر انسان محدودتر از آن است که بتواند او را مشهور و بلندآوازه کند.
(۳) فکر انسان محدودتر از آن است که او را درک کند.
(۴) او از نام‌آوری و مقام و موقعیت به دور است.

۱۹ معنای «که» در بیت «نیابد بدو نیز اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه» با معنای همین حرف در کدام بیت یکسان است؟ (استعدادهای درخشان)

- (۱) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
(۲) این همه نقش عجب بردرد دیوار وجود
(۳) که تواند که دهد میوه الوان از چوب
(۴) سعدیا راست روان گوی سعادت بردند
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
هر که فکرت نکند، نقش بود بردیوار
یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار
راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

۲۰ در کدام بیت «کنایه» دیده می‌شود؟

- (۱) به نام خداوند جان و خرد
(۲) خداوند کیوان و گردان سپهر
(۳) ستودن نداند کس او را چو هست
(۴) خداوند نام و خداوند جای
کزین برتر اندیشه برنگذرد
فرزند ماه و ناهید و مهر
میان بندگی را بیایدت بست
خداوند روزی ده رهنمای

(نمونه دولتی)

(نمونه دولتی)



نام:

آزمون

کلاس:

نام خانوادگی:

آزمون جامع تستی (۲)

تاریخ: / /

(پاسخ‌های تشریحی را در صفحات ۲۵۲ - ۲۵۱ مطالعه کنید.)

۱ در کدام گزینه معنای واژه درست نوشته شده است؟

- (۱) مهر: خورشید
 (۲) فراغت: جدایی
 (۳) رمق: عدد
 (۴) الوان: رنگی

۲ معنای چند واژه، نادرست نوشته شده است؟

- «آذرخش: صاعقه / توبره: کاه / عزیمت: بزرگ / قعر: خشم / منزوی: گوشه‌نشین / واپسین: آخرین / ناهید: سیاره زحل»
- (۱) دو
 (۲) سه
 (۳) چهار
 (۴) پنج

۳ در کدام گزینه غلط املایی بیشتری وجود دارد؟

- (۱) صنع خدای تعالی - رعد و برق و قوس قوزح - بَر و بهر - زنهار و برهیز - پیرو و سالخورده
 (۲) همدم نیکوخصال - حش لامسه - فاقد اخلاق - خار مقیلان - رحلت از وطن
 (۳) لهجه و گویش - مایع‌ور و سیراب - هوش و فراست - تعرّض - ظرفی سیمگون
 (۴) سلاح جنگی - فحطی عظیم - سلاله جوانمردان - وصل و هجران - خدمتگذار

۴ در کدام گزینه نام کتاب و نویسنده آن، نادرست نوشته شده است؟

- (۱) شاهدنامه: شبستری
 (۲) زمین انسان‌ها: ویکتور هوگو
 (۳) روضه خلد: مجد خوافی
 (۴) ای شب: نیما یوشیج

۵ کدام گزینه، بیت تخلص نیست؟

- (۱) ز نوای مرغ یاقق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا
 (۲) حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار / تا بود وردت دعا و درس قرآن، غم مخور
 (۳) سعدی شیرین سخن / گفت به فصل بهار / برگ درختان سبز / با خط رخشان سبز
 (۴) سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز / مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

۶ نوع «را» در کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) این همه آیات حق تعالی است که تو را فرموده است تا در آن نظر کنی.
 (۲) به چشم بصیرت به خود درنگر / تو را تا در آینه زنگار نیست
 (۳) بزرگی خرد و دانش راست، نه گوهر را.
 (۴) پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی

۷ در کدام گزینه، کلمات متضاد بیشتری دیده می‌شود؟

- (۱) همی خواهم از کردگار جهان / شناسنده آشکار و نهان
 (۲) به نزد مهان و به نزد کهان / به آزار موری نیززد جهان
 (۳) تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش / حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
 (۴) گر تکبر می‌کنی با خواجگان سفله کن / ورتواضع می‌کنی با مردم درویش کن

۸ در کدام گزینه به ترتیب زمان فعل‌های «مضارع اخباری، ماضی نقلی و ماضی استمراری» نوشته شده است؟

- (۱) می‌خوانید - گفته‌اید - داشت می‌رفت
 (۲) می‌دوید - نشست‌ام - می‌پوشید
 (۳) بسازم - آورده بود - می‌گویی
 (۴) نشستم - رفته است - می‌آمدم

۹ در کدام گزینه همه واژه‌ها، جمع مکسرند؟

- (۱) الوان - اخراج - اشخاص
(۲) آفاق - آفات - آیات
(۳) معارج - احزان - معابر
(۴) فروع - وجود - عبور

۱۰ در کدام گزینه، گروه کلمه‌ای مطابق با الگوی «صفت اشاره + صفت شمارشی + هسته + صفت بیانی + مضاف‌الیه» نیست؟

- (۱) آن اولین کتاب خواندنی مدرسه
(۲) همین سومین هفته خوب ماه
(۳) این پنج دوست دوست داشتنی من
(۴) همان دو روز ماه گذشته

۱۱ در کدام گزینه همه واژه‌ها «وندی» نیستند؟

- (۱) چراغدان - دانایی - شامگاه
(۲) گلدان - پوشیده - رفتار
(۳) نمکدان - تعمیرگاه - روا
(۴) شمعدان - خندان - جوشش

۱۲ در همه گزینه‌ها آرایه تشخیص وجود دارد، به جز.....

- (۱) می‌وزید از هر طرف، هرجا / تیرهای وحشی و سرکش / موشک و خمپاره و ترکش
(۲) در چنان حالی هراس‌انگیز / شهر از آن سوی سنگرها / شیرمردان را صدا می‌زد
(۳) کودک تنها به روی خاکریز آمد / صد هزاران چشم، قاب عکس کودک شد
(۴) از تمام تانک‌ها، تنها / تلی از خاکستر خاموش / ماند روی دست‌های دشت

۱۳ در جمله «مطمئناً او هرگز این کار را دوباره انجام نمی‌دهد، ولی با دقت مواظبش باش.» چند قید به کار رفته است؟

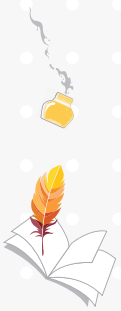
- (۱) یک
(۲) دو
(۳) سه
(۴) چهار

۱۴ مفهوم کدام بیت، با دیگر بیت‌ها متفاوت است؟

- (۱) تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او
(۲) نعمتت بار خدایا ز عدد بیرون است
(۳) حدّ من نیست ثنایت گفتن
(۴) به نام خداوند جان و خرد
همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار
شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
گوهر شکر عطایت سُفتن
کزین برتر اندیشه برنگذرد

۱۵ عبارت «ای ابوذر، سخنان بیهوده بر زبان می‌آور و به اندازه نیاز، سخن بگوی.» با کدام گزینه ارتباط بیشتری دارد؟

- (۱) خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش
(۲) کم گوی و گزیده گوی چون دُر
(۳) زبان دردهان ای خردمند چیست
(۴) تا مرد سخن نگفته باشد
نگوید سخن تا نبیند خموش
تا ز اندک تو جهان شود پر
کلید در گنج صاحب سخن
عیب و هنرش نهفته باشد





ستایش

- ۱ گزینۀ ۲ کیوان: نام دیگر سیاره زحل است. نام دیگر سیاره زهره، ناهید است.
- ۲ گزینۀ ۳
- ۳ گزینۀ ۳
- «مُلک» جمع مکسر ندارد و «املاک» جمع مکسر «ملک» است.
- ۴ گزینۀ ۴ «ستوده» و «ستایش» از مصدر «ستودن» و «ستاده» مخفف «ایستاده» از مصدر «ایستادن» است.
- ۵ گزینۀ ۲ معنی درست گزینه: خداوندی که روزی دهنده و راهنمای مخلوقات است.
- ۶ گزینۀ ۳ فردوسی بین ۲۵ تا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید.
- ۷ گزینۀ ۴ نصیحة الملوک اثر محمد غزالی است.
- ۸ گزینۀ ۳ مراعات نظیر: کیوان، سپهر، ماه، ناهید، مهر واج آرای: «آ» و «ن»
- ۹ گزینۀ ۴ واژه‌های متضاد: پیر، برنا
- ۱۰ گزینۀ ۴ ملکا/ ذکر تو گویم/ که تو پاکی/ و خدایی/ نروم جز به همان ره/ که توام راه نمایی/ (۶ جمله)
- ۱۱ گزینۀ ۴
- ۱۲ گزینۀ ۲ «این» صفت اشاره نیست، زیرا در گروه کلمه نیامده، بلکه صفت جانشین موصوف است.
- ۱۳ گزینۀ ۲
- ۱۴ گزینۀ ۴
- ۱۵ گزینۀ ۱ خداوند: هسته/ جان: مضاف‌الیه/ و: حرف عطف/ خرد: معطوف به مضاف‌الیه
- ۱۶ گزینۀ ۱ در گروه کلمه «دل پیر» فقط «پیر»، صفت بیانی است.
- ۱۷ گزینۀ ۴ ترکیب‌های وصفی: همان ره، خداوند روزی ده، دو بیننده، گردان سپهر (ترکیب وصفی مقلوب است)، دل پیر
- ۱۸ گزینۀ ۳
- ۱۹ گزینۀ ۴ «که» در صورت سؤال و در گزینۀ «۴» به معنی «زیرا» به کار رفته در حالی که در سایر گزینه‌ها به معنی «کسی» به کار رفته است.
- ۲۰ گزینۀ ۳ «میان بستن» کنایه از آماده شدن

درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / حکایت: «سفری»

- ۱ گزینۀ ۲ اسرار: (جمع سر) رازها/ اصرار: پافشاری
- ۲ گزینۀ ۳ حقه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر نگاه‌داری می‌شود.
- ۳ گزینۀ ۴ الوان: جمع لون
- ۴ گزینۀ ۱ دید و دیدار از بن ماضی «دید» و بینش از بن مضارع همین مصدر، یعنی «بین» است، پس هم خانواده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینۀ «۲»: سعدی و سعادت از ریشه «س، ع، د» و استعداد از ریشه «ع، د، د» است.
- گزینۀ «۳»: معرفت و عارف از ریشه «ع، ر، ف» و رفیع از ریشه «ر، ف، ع» است.
- گزینۀ «۴»: حیران و حیرت از ریشه «ح، ی، ر» و حیوان از ریشه «ح، ی، ی» است.
- ۵ گزینۀ ۲ «اصرار» غلط و املائی درست آن «اسرار» است.
- ۶ گزینۀ ۳ املائی درست آن «قانون‌گذار» است.
- ۷ گزینۀ ۴ تضاد: لیل و نهار / جناس: نهار، بهار (جناس ناقص اختلافی) مراعات نظیر: بامداد، لیل، نهار
- ۸ گزینۀ ۲ بررسی گزینه‌ها:
- گزینۀ «۱»: مراعات نظیر: در، دیوار/ تشبیه: مشبه: هر که فکرت نکند، مشبه به: نقش بر دیوار
- گزینۀ «۲»: مراعات نظیر: کوه، دریا، درختان/ تشبیه: (ندارد)
- گزینۀ «۳»: مراعات نظیر: عقل، فهم/ عنب، انار/ تشبیه: مشبه: عنب، مشبه به: زرا/ مشبه: انار، مشبه به: حقه
- گزینۀ «۴»: مراعات نظیر: بنفشه، نرگس - خواب، بیدار/ تشبیه: مشبه: تو، مشبه به: بنفشه
- ۹ گزینۀ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینۀ «۱»: آسیاب می‌گوید.
- گزینۀ «۲»: مرغان سحر می‌گویند.
- گزینۀ «۳»: نرگس بیدار است.
- ۱۰ گزینۀ ۳ بررسی گزینه‌ها:
- گزینۀ «۱»: دو تشخیص: عقل حیران شود/ فهم عاجز شود.
- گزینۀ «۲»: دو تشبیه: مشبه: عنب، مشبه به: زرا/ مشبه: انار، مشبه به: حقه
- گزینۀ «۳»: جناس ندارد.
- گزینۀ «۴»: دو مراعات نظیر: عقل، فهم - عنب، انار
- ۱۱ گزینۀ ۱
- ۱۲ گزینۀ ۳
- ۱۳ گزینۀ ۱
- ۱۴ گزینۀ ۴ ترکیب‌های وصفی: رخ زیبا، این اسرار، این خواب ترکیب‌های اضافی: رخ زیبای تو، آوای تو، خداوند دل، مرغان سحر، نعمت (= نعمت تو)، گوی سعادت، خواب جهالت
- ۱۵ گزینۀ ۳ حرف اضافه و متمم‌ها: با جمعی، از همراهان، به در آسیابی، در آن، در خود، از خود
- ۱۶ گزینۀ ۳ مصدر: گذاشتن - بن ماضی: گذاشت - بن مضارع: گذار مصدر: گذاشتن - بن ماضی: گذشت - بن مضارع: گذر
- ۱۷ گزینۀ ۱ عبارت «ما اکثر العبر و اقل الاعتبار» یعنی: عبرت‌ها چه بسیار و عبرت‌گرفتن‌ها چه اندک‌اند.
- مفهوم گزینه «۱»: همتت را زیاد کن، زیرا اعتبار تو نزد خدا و مردم، به اندازه همت و تلاشت است.



۹ **گزینه ۱** نمودار طرز قرار گرفتن قافیه در قالب‌های ذکر شده در سؤال، این‌گونه است:

● _____
● _____
● _____

قطعه

■ _____
▲ _____
● _____

مثنوی

● _____
● _____
● _____

غزل و قصیده

● _____
● _____
● _____

دوبیتی:

● تفاوت غزل و قصیده در تعداد ابیات است؛ بدین صورت که تعداد ابیات در غزل ۶ تا ۱۴ و در قصیده از ۱۲ بیشتر است. دیگر اینکه موضوع غزل، عاشقانه است که در دوره‌های بعد برای سرودن مفاهیم اجتماعی نیز از این قالب شعری استفاده شد.

۱۰ **گزینه ۴** «رسن» با دو واژه دیگر هم خانواده نیست.

۱۱ **گزینه ۲** دو تشبیه در این گزینه هست: ۱- مشبه: عالم، مشبه به: خانه خدا ۲- مشبه: زمین، مشبه به: فرش وی

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مشبه: زمین، مشبه به: دیبا

گزینه «۳»: تناسب: کرم و پیله

گزینه «۴»: تشخیص: پاسخ دادن کرم

۱۲ **گزینه ۲** تشبیه‌ها: عالم ← خانه خدا / زمین ← فرش خانه / ماه ← چراغ خانه / آفتاب ← شعله خانه / ستارگان ← قندیل‌های خانه
تضادها: تعجب کنی و تعجب نکنی - بزرگ و مختصر

۱۳ **گزینه ۴** صفت اشاره: و این عالم خانه خداست.

ضمیرهای اشاره: صفت آن گویی / و این، عجب تراست / و تو از عجایب این، غافل

۱۴ **گزینه ۴**

۱۵ **گزینه ۳** و تو از عجایب این غافل [هستی] / که خانه بس بزرگ است / و چشم تو بس مختصر [است] / و در وی نمی‌گنجد.

۱۶ **گزینه ۳** «واو» در «به نقش و گچ کنده کرده باشند»، واو عطف است و سایر «واو»ها همه حرف ربط‌اند.

۱۷ **گزینه ۲** در گزینه‌های «۱»، «۳»، «۴» «است» به معنای «وجود دارد» و «قرار دارد» به کار رفته و فعل غیراسنادی است.

۱۸ **گزینه ۴**

۱۹ **گزینه ۳** در حبس و خلوت / تا به مرگ وارهم / یا بهر پریدنی، پر برآورم

۲۰ **گزینه ۴** (تو: متمم / را (به معنی برای): حرف اضافه)

۲۱ **گزینه ۲** وابسته پسین در گزینه «۲» (عنب)، مضاف‌الیه و در سایر گزینه‌ها (شگفت‌انگیز، پرخاطره، منفی) «صفت بیانی» است.

۱۸ **گزینه ۳** مفهوم گزینه «۳»: کسی که با دیدن آفرینش به وجود خداوند پی نبرد، صاحب دل نیست.

مفهوم سایر گزینه‌ها: ناتوانی انسان از ستایش خداوند و شکر نعمت‌هایش.

۱۹ **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سحر، سر: جناس ناقص افزایشی

گزینه «۲»: بهار، نهار: جناس ناقص اختلافی

گزینه «۳»: باد، بال: جناس ناقص اختلافی

۲۰ **گزینه ۱** ت: متمم است؛ شکل مرتب جمله این‌گونه است: «خبر برایت هست؟» برای: حرف اضافه، ت: متمم

در سایر گزینه‌ها، «ت» مضاف‌الیه است.

۲۱ **گزینه ۲**

۲۲ **گزینه ۴** معنی عبارت سؤال: کسی که خودش را شناخت، خدایش را شناخته است.

مفهوم گزینه «۳»: «شناخت خود از همه علوم بیشتر لازم است.»

۲۳ **گزینه ۱**

مفهوم گزینه «۱»: شکر نعمت، باعث زیاد شدن نعمت می‌شود.

مفهوم سؤال و سایر گزینه‌ها: ناتوانی انسان در شکر نعمت‌های خداوند

۲۴ **گزینه ۳** مفهوم عبارت سؤال و گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» شناخت دقیق خود است.

مفهوم گزینه «۳»: به غفلت از خداوند و اطاعت از نفس می‌پردازد.

۲۵ **گزینه ۳** فعل «شو» به معنی «برو» فعل غیرربطی و «برون» قید است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دلا / تا کی در این زندان، فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو / تا جهان بینی / (چهار جمله)

گزینه «۲»: این زندان، این چاه (دو صفت اشاره)

گزینه «۴»: این زندان، این چاه، چاه ظلمانی (سه ترکیب وصفی)

در گروه «فریب این و آن»، «این» و «آن» هر دو ضمیر اشاره و مضاف‌الیه هستند.

درس دوم: عجایب صنع حق تعالی / شعرخوانی: پرواز

۱ **گزینه ۳** دیبا: پارچه ابریشمی رنگین

۲ **گزینه ۲**

۳ **گزینه ۴** رابطه بین واژگان گزینه «۴»، تضاد و سایر گزینه‌ها، مترادف است.

۴ **گزینه ۱** در سایر گزینه‌ها «آیات، نباتات و حیوانات» به ترتیب جمع مؤنث سالم «آیه، نبات و حیوان» است.

۵ **گزینه ۱** املای درست واژه: محبس

۶ **گزینه ۴** «آینه‌های ناگهان» اثر قیصر امین پور است.

۷ **گزینه ۴** «کیمیای سعادت» اثر محمد غزالی است و وی در سال‌های ۴۵۰ تا ۵۰۵ هـ. ق. می‌زیسته است.

۸ **گزینه ۳** «اخلاق ناصری» اثر خواجه نصیرالدین توسی است.



درس سوم: مثل آینه، کارو شایستگی / حکایت: «باغبان نیک اندیش»

- ۱ گزینۀ ۴ خروار: خربار، مقدار بار یک خر، معادل ۳۰۰ کیلوگرم
- ۲ گزینۀ ۱ راست در اینجا یعنی «درست»
- ۳ گزینۀ ۱ «غنی» با «غنیمت و اغتنام» هم خانواده نیست (غنیمت و اغتنام از ریشه «غ، ن، م» هستند.)
- ۴ گزینۀ ۴
- ۵ گزینۀ ۴ املای درست واژه در سایر گزینه‌ها:
- گزینۀ ۱: «۱»: هرس ← حرص
- گزینۀ ۲: «۲»: آر ← عار
- گزینۀ ۳: «۳»: دریقا ← دریغا
- ۶ گزینۀ ۲ کتاب نظامی «خسرو و شیرین» است.
- ۷ گزینۀ ۴
- ۸ گزینۀ ۲ این کتاب به شیوه «کلیله و دمنه» نوشته شده است.
- ۹ گزینۀ ۲
- ۱۰ گزینۀ ۴
- ۱۱ گزینۀ ۴ مراعات نظیر: مطالعه، بخوان، نخوان، نوشته‌ایم
- واج آرایبی: «خ» / تضاد: بخوان، نخوان
- ۱۲ گزینۀ ۴ بررسی گزینه‌ها:
- گزینۀ ۱: «۱»: تشبیه: مشبه: «دیگران»، مشبه به: زبان نقد، پنجره‌ها / تشخیص: دیدگان پرسشگر
- گزینۀ ۲: «۲»: تشبیه: مشبه: دوستان واقعی، مشبه به: آینه / تلمیح: عبارت تلمیح دارد به حدیث «المؤمن مرآة المؤمن» (مؤمن آینه مؤمن است.)
- گزینۀ ۳: «۳»: تضاد: راست و خطا / کنایه: خود شکن: خود را اصلاح کن
- گزینۀ ۴: «۴»: تشبیه: _____ / تضاد: است، نیست
- ۱۳ گزینۀ ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینۀ ۱: «۱»: مشبه: اعمال نیک، مشبه به: درخت
- گزینۀ ۳: «۳»: مشبه: نوجوانی، مشبه به: تولد دوباره
- گزینۀ ۴: «۴»: مشبه: جوانی، مشبه به: متاع
- ۱۴ گزینۀ ۳ همه کار ایام درس است / و پند [است] / دریغا (شبه جمله) / که شاگرد هشیار نیست.
- ۱۵ گزینۀ ۲
- ۱۶ گزینۀ ۳ صفت‌های اشاره: این میل / این حرص
- ضمیرهای اشاره: وقت آن است / میوه آن
- ۱۷ گزینۀ ۱ میل و آرزو: واو عطف / برداری و درخت ...: واو ربط / حرص و هوس باطل: واو عطف
- ۱۸ گزینۀ ۴
- ۱۹ گزینۀ ۱
- ۲۰ گزینۀ ۲ این گزینه بر منحرف نشدن و راه راست رفتن تأکید دارد.

۲۲ گزینۀ ۲ صفت‌ها: هر: صفت مبهم / یک: صفت شمارشی، عدد اصلی / زیبا: صفت بیانی

۲۳ گزینۀ ۱ «همه عالم» یک گروه کلمه است که در آن «همه»، صفت مبهم و «عالم» هسته است. در سایر گزینه‌ها «همه» ضمیر مبهم است و وابسته نیست، بلکه هسته است و در هر سه گزینه، «همه»، نهاد است.

۲۴ گزینۀ ۱ همین: صفت اشاره / دو: صفت شمارشی، عدد اصلی / مرد: هسته / فداکار: صفت بیانی / آسمانی: صفت بیانی نسبی

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ ۲: «۲»: این: صفت شمارشی / همه: صفت مبهم / گل: هسته / ها: نشانه جمع / زیبا: صفت بیانی / رنگی: صفت بیانی نسبی

گزینۀ ۳: «۳»: همان: صفت اشاره / چند: صفت مبهم / نفر: واحد شمارش / مرد: هسته / پرزور: صفت بیانی / قوی: صفت بیانی

گزینۀ ۴: «۴»: آن: صفت اشاره / چهار: صفت شمارشی، عدد اصلی / کتاب: هسته / قشنگ: صفت بیانی / زیبا: صفت بیانی

۲۵ گزینۀ ۲ بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ ۱: «۱»: این: صفت اشاره / سنگ: هسته / بزرگ: صفت بیانی / خانه: مضاف الیه

گزینۀ ۲: «۲»: همین: صفت اشاره / کتاب: هسته / زیبا: صفت بیانی / خواندنی: صفت بیانی

گزینۀ ۳: «۳»: همان: صفت اشاره / دانش آموز: هسته / زرتک: صفت بیانی / مدرسه: مضاف الیه

گزینۀ ۴: «۴»: آن: صفت اشاره / مرد: هسته / کوشا: صفت بیانی / روستا: مضاف الیه

۲۶ گزینۀ ۳ «راهت داده‌اند» به تو اجازه داده‌اند، پس «اختیار داری» هم معنی می‌دهد.

«در بستان معرفت حق تعالی تماشا کنی»: معرفت خدا را از روی نشانه‌هایش به دست آوری.

«بیرون آیی»: از این جهان بیرون آیی، رستگار شوی، نجات پیدا کنی.

۲۷ گزینۀ ۲ عبارت سؤال و گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» این نکته را بیان می‌کنند که تمام جهان نشانه‌هایی از وجود خداوندند و انسان اهل فکر با دیدن این نشانه‌ها، به شناخت خداوند می‌رسد.

۲۸ گزینۀ ۲ همان: صفت اشاره / دلاور: هسته / پیروز: صفت بیانی / میدان: مضاف الیه

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ ۱: «۱»: این: صفت اشاره / کتاب: هسته / مهم: صفت بیانی / تاریخی: صفت بیانی نسبی

گزینۀ ۳: «۳»: هر: صفت مبهم / شهر: هسته / کشور: مضاف الیه / ایران: مضاف الیه

گزینۀ ۴: «۴»: کدام: صفت پرسشی / دوست: هسته / قدیمی: صفت بیانی / مهربان: صفت بیانی

۲۹ گزینۀ ۲ «همه» در این گزینه «ضمیر مبهم»، «هسته» و «نهاد» است.

۳۰ گزینۀ ۳ در این گزینه، «همه»، «ضمیر مبهم» و «هسته» و «نهاد» است. در دیگر گزینه‌ها، «همه» صفت مبهم است: «همه مستمع»، «همه جای جهان»، «همه چیزی»